

# مدرسه هوشمند یعنی...

● رویا صدر

محلی که در آن حجم تجهیزات با میزان به کارگیری آن‌ها رابطه عکس دارد. محلی که در آن فاصله میان آموزش دیجیتالی و آموزش سنتی به صفر میل می‌کند. محلی که در آن فاصله میان حرف و عمل به بی‌نهایت میل می‌کند! محلی که در آن بلااستفاده ماندن تجهیزات رایانه‌ای از بین نمی‌رود، بلکه از دستگاهی به دستگاه دیگر منتقل می‌شود. (قانون بقای بلااستفاده ماندن تجهیزات مدارس هوشمند!) محلی که در آن انسان و فناوری معمولاً تأثیر کارهای یکدیگر را خنثی می‌کنند! محلی که در آن معلمان بیشتر از شاگردان به آموزش احتیاج دارند.

محلی که بیش از هر چیز برای پر و پیمان کردن نمودارهای مربوط به ارتقای آموزش هوشمند محلی برای گردش پول میان فروشندگان آن دسته از تجهیزات رایانه‌ای که روی دست بشریت مانده است! محلی که در آن تجهیزات نصب می‌شود، بعدش خدا بزرگ است!



محلی که در آن به تجهیزات رایانه‌ای دست نزنید، خراب می‌شود!  
 محلی که شعار «هر دانش‌آموز یک لپ‌تاپ» معمولاً در حال دگردیسی به:  
 هر ۴۰ دانش‌آموز یک تخته سیاه است.  
 محلی برای اعاده حیثیت از گج پلیکان.  
 محلی که تجهیزات آن، یا در دست تعمیر است یا در حال نصب!  
 محلی که در آن سنت و مدرنیته، در عصر گج و تخته سیاه به هم می‌رسند!  
 محلی برای خدمت به اولیای عزیزی که اهل پز دادن جلوی در و همسایه،  
 و سر و همسر هستند.

محلی رویایی برای برگزاری نمایشگاه  
 دائمی محصولات دیجیتالی بلااستفاده، با  
 محیطی دل‌پذیر که چشم‌ها را از تعجب  
 و بهت و حیرت از این همه تجهیزات، به  
 قاعده نیم متر از حلقه خارج می‌سازد.  
 و در آخر: محلی که در آن آموزش دیجیتالی  
 به جیب می‌اندیشد!...